

شش روز

مریم جمشیدی

www.ketab.ir

سرشناسه: جمشیدی، مریم، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور: شش روز/ مریم جمشیدی؛ ویراستار سروناز باقری خلیلی

مشخصات نشر: ساری: انتشارات مهوین، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۸۸ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ مس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۶۳-۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

موضوع: اما

موضوع: Coma

موضوع: تجربه دم مرگ - خاطرات

موضوع: Near-death experiences -- Personal narratives

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶: ۵۱۳۵۷۲: ۸۰۱ PIR

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۷۱۰۶



انتشارات مهوین: ساری، دخانیات، بازار متین، لاین، پلاک ۱۱۲

تلفن: ۰۹۱۱۷۷۶۸۴۹۶ - premahvin@yahoo.com

شش روز

نویسنده: مریم جمشیدی

ویراستار: سروناز باقری خلیلی

طراح جلد: فاطمه چامه سرا

چاپ: تایماز- تهران

نوبت و سال چاپ: نخست، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای انتشارات مهوین محفوظ است.

فهرست مطالب:

پیش گفتار ناشر ۱۳

فصل اول:

کُما ۱۵

- کُما چیست؟ ۱۷

- چه عواملی باعث ایجاد کُما می شود؟ ۱۸

- در مدت کُما چه اتفاقی می افتد؟ ۱۸

- بیرون آمدن از کُما ۱۹

- شواهد آماری ۲۰

- تفاوت های مرگ مغزی و کُما ۲۰

- قلب با مغز تفاوت دارد ۲۱

- مرگ مغزی چیست؟ ۲۱

- علل شایع مرگ مغزی کدامند؟ ۲۲

- مرگ مغزی چگونه رخ می دهد؟ ۲۲

- چرا در مرگ مغزی بیمار تا مدتی دارای ضربان قلب و تنفس است؟ ۲۳

- آیا کُما همان مرگ مغزی است؟ ۲۳

- زندگی نباتی و تفاوت آن با مرگ مغزی ۲۴

- آیا از ظاهر بیمار می توان به مرگ مغزی اش پی برد؟ ۲۴

- آیا بیمار دچار مرگ مغزی، درد را احساس می کند؟ ۲۴

- آیا مواردی از مرگ مغزی بوده که بهبود یافته باشد؟ ۲۴

فصل دوم:

- ۲۵..... همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد.
- ۲۷..... - خودم را در مکان تازه‌ای دیدم.
- ۲۸..... - بدنم حالتی بلوری و شفاف داشت.
- ۲۹..... - هیچ دردی نداشتم.
- ۳۰..... - نکند مرده باشم؟
- ۳۱..... - خودم را در جمع خانواده‌ام یافتم.
- ۳۳..... - نصرم از دست رفت.
- ۳۴..... - سیر کردم در محله.
- ۳۵..... - می‌توانستم ذهن افراد را بخوانم.
- ۳۶..... - هر درکی الزاماً اراده‌اش منجر نمی‌شود.
- ۳۷..... - ای کاش می‌توانستم فراموشی را ببودم.
- ۳۸..... - دیدار با آشنایان.
- ۴۲..... - کوچ مادرم.
- ۴۳..... - دیگر جای جبران نبود.
- ۴۴..... - می‌توانستم مکان‌های مختلف را درک کنم.
- ۴۵..... - از یک تونل عبور کردم.
- ۴۶..... - به طرف یک نقطه‌ی نورانی می‌رفتم.
- ۴۷..... - درک و فهم عمیقی از همه چیز پیدا کردم.
- ۴۸..... - از زیبایی عالی و رای پبله بی‌خبر بودم.
- ۴۹..... - همه چیز عالی و در حد کمال به نظر می‌رسید.

- ۵۰ - خودم را در حالت بی‌وزنی مطلق یافتم.....
- ۵۱ - همه‌ی ارواح به یک شکل نبودند.....
- ۵۲ - وجودی بسیار نورانی در تمام لحظات همراه من بود.....
- ۵۳ - هرکس که می‌میرد یک راهنما دارد.....
- ۵۴ - ارواحی قرار.....
- ۵۵ - از رادی که خودکشی کرده بودند.....
- ۵۷ - فدی که منسبتش را آزار می‌داد.....
- ۵۸ - روحی شاد و سبزه‌نده.....
- ۶۰ - سیر و سفر روان در عالم برزخ.....
- ۶۱ - فیلم صحنه‌های زندگی من.....
- ۶۲ - مظلومیت مادرم.....
- ۶۳ - زندگی را دوباره تجربه کردم.....
- ۶۵ - رنج‌ها لازمه‌ی کمال‌اند.....
- ۶۷ - فرصت‌ها را از دست می‌دهیم.....
- ۶۹ - یک لبخند ساده می‌تواند انرژی بخش باشد.....
- ۷۰ - ماشین زمان مرا به سال‌ها قبل برد.....
- ۷۱ - زندگی مانند مرواریدی گرانبهاست.....
- ۷۲ - حسرت به خاطر مال دنیا.....
- ۷۳ - بعد از مرگ، دیگر هیچ فرصت جبران نیست.....
- ۷۴ - جهان مانند کوه است و اعمال انسان‌ها ندا.....
- ۷۵ - محاکمه‌ی خود از محاکمه‌ی دیگران سخت‌تر است.....

- حیات در همه چیز وجود دارد ۷۶
- کارهای خوب و بد در زندگی ما مؤثر است ۷۷
- وحشتی در وجودم حس کردم ۷۹
- باید برمی گشتم ۸۰
- با سرعت نور به زمین باز گشتم ۸۱
- از نور متولد شده بودم ۸۲
- سال ها تجربه ام را مخفی کردم ۸۳
- یافتن تجربه ایی مشابه ۸۴
- خدای که مهمان ترین است ۸۵